

دانش و پژوهش در روان‌شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره سی‌وسوم - پاییز ۱۳۸۶

صص ۹۵ - ۱۱۶

## رابطه بین شادکامی، خودشکوفایی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی با دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر و پسر واحد علوم و تحقیقات مرکز اهواز

پرویز عسگری<sup>۱</sup> - حسن احدی<sup>۲</sup> - محمدمهدی مظاهری<sup>۳</sup>

میرصلاح‌الدین عنایتی<sup>۴</sup> - علیرضا حیدرئی<sup>۵</sup>

### چکیده

در این پژوهش رابطه متغیرهای شادکامی، خودشکوفایی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی با دوگانگی جنسی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات مرکز اهواز بررسی شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی است. به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش از بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم و تحقیقات مرکز اهواز ۳۷۳ نفر (۱۸۵ پسر و ۱۸۸ دختر) با روش تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تجزیه و

---

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، دانشجوی دوره دکتری تخصصی رشته روان‌شناسی

۲- استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- استادیار و معاون فرهنگی و رئیس منطقه ۴ دانشگاه آزاد اسلامی

۴- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز

۵- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده بین متغیرهای شادکامی و دوگانگی جنسی، بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی، بین سلامت روان و دوگانگی جنسی، بین شادکامی و خودشکوفایی، بین سلامت روان، بین خودشکوفایی و سلامت روان روابط معناداری به دست آمد ( $P < 0/001$ ). ولی بین عملکرد تحصیلی با دوگانگی جنسی، بین شادکامی با عملکرد تحصیلی، خودشکوفایی با عملکرد تحصیلی و سلامت روان با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری مشاهده نگردید ( $P > 0/001$ ). در ضمن روابط بین متغیرها با توجه به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به نتایج به دست آمده بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه معناداری مشاهده نگردید ( $P > 0/001$ ). ولی بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دختران رابطه معناداری مشاهده گردید ( $P < 0/001$ ). همچنین بین سلامت روان و دوگانگی جنسی و خودشکوفایی و دوگانگی جنسی و نیز بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی در دختران و پسران به تفکیک جنسیت رابطه معناداری مشاهده نگردید ( $P > 0/001$ ). از سوی دیگر بین شادکامی و خودشکوفایی و نیز بین شادکامی و سلامت روان و بین خودشکوفایی و سلامت روان هم در دختران و هم در پسران رابطه معناداری مشاهده گردید ( $P < 0/001$ ). ولی بین شادکامی و عملکرد تحصیلی، بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی و نیز بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی هم در دختران و هم در پسران رابطه معناداری مشاهده نگردید ( $P > 0/001$ ).

**کلید واژه‌ها:** دوگانگی جنسی، سلامت روانی، شادکامی، خودشکوفایی، عملکرد تحصیلی.

#### مقدمه

اگر چه هویت انسان تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند؛ نژاد، ملیت، مذهب، شغل و سن است، اما در اغلب جوامع یکی از مهمترین، مرکزی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین این عوامل، هویت اجتماعی مردانگی و زنانگی است. هر چند واژه‌های «جنسیت» و «هویت روانی-جنسی» جایگزینی هستند، ولی در روان‌شناسی معاصر جنسیت بر حسب عوامل زیست‌شناختی و تفاوت‌های کالبدشناختی و فیزیولوژیک مشخص می‌شود که به صورت ژنتیک و در هنگام تولد تعیین شده است، اما هویت جنسی به هر چیزی گفته می‌شود

که در هر جامعه با جنسیت‌شناختی شخص پیوند یافته باشد و در نتیجه برای هر شخص به عنوان زن یا مرد، نقشها و اعمال، برتری‌ها و اسنادهایی را در نظر گیرد (بارون و برن، ۱۹۹۴). نوزاد دختر یا پسر پس از تولد موجودی زیست‌شناختی است که رفتارهای اکتسابی نقش‌های اجتماعی را هنوز کسب نکرده است. باید به تفاوتی که میان جنس و جنسیت گذاشته می‌شود، توجه کرد (مکین‌تاش، ۱۹۹۱).

بیشتر مردم خاصیت مردانگی یا زنانگی دارند، اما بعضی نیز هم مرد و هم زن هستند (پیرسون<sup>۱</sup> و کوکز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). ساختار اجتماعی که بر پایه‌های نقش جنس تعریف می‌شود بر این مفهوم تأکید می‌ورزد که شرایط اجتماعی مبین مقادیر رفتاری قابل مشاهده‌اند (مید<sup>۳</sup>، ۱۹۳۵). آیا روابط جنسی، جنس و هویت نقش جنسی با هم متفاوت‌اند؟ تعداد زیادی از نویسندگان از واژه‌های Sex و gender به‌طور جایگزین همدیگر استفاده می‌کنند، و با وجود شباهت‌های زیاد بین آنها، این ساختارهای پایه خیلی واضح به نظر نمی‌رسند. در یک مطالعه در مورد اینکه چگونه غیر روان‌شناسان gender را تعریف می‌کنند، پریزگودا<sup>۴</sup> و چریسلر<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نشان دادند که اغلب کسانی که در این پژوهش شرکت کرده بودند، از واژه Sex برای آنچه که از لحاظ زیست‌شناختی قابل قبول است و gender را برای توصیف اینکه چه چیزی اجتماعی و روان‌شناختی است، استفاده کرده‌اند. gender یا جنسیت روان‌شناختی مبین الگوهای رفتاری و Sex یا جنسیت زیست‌شناختی مبین تفاوت‌های زیست‌شناختی بین مرد و زن است (کیمبل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰).

از سوی دیگر مورفی (۱۹۹۴) بیان می‌کند که در ۲۰ سال گذشته پژوهشگران مفهوم دو جنسیتی روانی را بررسی کردند (از جمله بم، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵؛ بلاک<sup>۷</sup>، ۱۹۷۳). این پژوهش‌ها نشان دادند که افراد دو جنسیتی با حداکثر زنانگی و مردانگی بیشترین سازگاری را در زندگی داشتند. از نظر طرفداران نظریه بم (۱۹۷۴) دو جنسیتی روانی مفهومی از سلامت روانی است و این مفهوم را شبیه به برخی از مفاهیم مثبت در نظریه‌های قدیمی و معاصر می‌دانند. برای مثال مفهوم «سودمندی اجتماعی»<sup>۸</sup> آدلر<sup>۹</sup> که

---

|               |                      |             |
|---------------|----------------------|-------------|
| 1 – Pearson   | 2 – Cooks            | 3 – Mead    |
| 4 – Pryzgodna | 5 – Chrisler         | 6 – Kimmbel |
| 7 – Block     | 8 – Socially Usefull | 9 – Adler   |

بیانگر درجه بالایی از علایق<sup>۱</sup> و فعالیتهای اجتماعی<sup>۲</sup> است با مفهوم دو جنسیتی روانی بم قابل مقایسه است. به نظر آدلر «شیوه زندگی»<sup>۳</sup> هر شخص حدود فعالیتها و علایق اجتماعی وی را تعیین می‌کند (مورفی، ۱۹۹۴). بر اساس نظریه آدلر سالم‌ترین روش زندگی آن است که افراد درجه بالایی از فعالیت و علایق اجتماعی را داشته باشند.

پژوهش‌های مربوط به دوجنسیتی روانی نشان داده است که افراد دوجنسیتی که دارای هر دو رفتار زنانه و مردانه هستند، نسبت به غیر دوجنسیتی‌ها بهترین سازگاری را دارند (بم، ۱۹۷۵؛ بلاک، ۱۹۷۳). در این رویارویی علمی مفهوم علاقه اجتماعی آدلر با خصوصیات رفتاری زنانه و مفهوم فعالیت اجتماعی آدلر با خصوصیات رفتاری مردانه قابل انطباق است و از ترکیب علاقه و فعالیت اجتماعی، «سودمندی اجتماعی» و از ترکیب رفتارهای زنانه و رفتارهای مردانه دوجنسیتی روانی حاصل می‌شود (مورفی، ۱۹۹۴). پژوهش‌های مختلفی نشان داده است که زن‌ها در مقیاس علاقه اجتماعی و مردها در مقیاس فعالیتهای اجتماعی نمره بالاتری می‌گیرند (مورفی، ۱۹۹۴).

همچنین «دوجنسیتی روانی» یا «آندروژنی روانی» در نظریه بم (۱۹۷۴) به‌عنوان «هویت جنسیتی متعادل» با امتیازات ویژه‌ای ارائه شده است و با مفهوم خودشکوفایی<sup>۴</sup> نظریه مزلو<sup>۵</sup> به‌عنوان یکی از جدیدترین نظریه‌های روان‌شناسی قابل انطباق است، زیرا افراد دوجنسیتی روانی همانند افرادی که به خودشکوفایی رسیده‌اند می‌توانند بهترین باشند، یعنی اینکه از قیود رفتاری جنسیتی آزاد هستند و توانایی هر دو رفتار زنانگی و مردانگی را دارند (وودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۴). آنها انعطاف‌پذیر هستند می‌توانند از یک موقعیت به موقعیت دیگر متفاوت رفتار کنند و وظایف و رفتارهای جنسیت مقابل را در موقع ضروری انجام دهند، برای مثال در یک موقعیت می‌توانند حساس و صبور باشند و در موقعیت دیگر ماجراجو و خطرپذیر (وودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۴).

از زمانی که ساندررا بم (۱۹۷۴) سنخ دوجنسیتی روانی را در رابطه با اشخاصی که نسبت به دیگر سنخ‌های جنسیتی متمایز هستند و از بهداشت روانی و کمال شخصیتی بهتری برخوردارند، معرفی کرد و به دنبال آن مقیاسی برای تشخیص و

---

1 – Interests                      2 – Activities                      3 – Style of life  
4 – Self- actualizer                5 – Maslow

شناسایی این شخصیتها ساخت، بم و دیگر پژوهشگران، پژوهش‌های زیادی در رابطه با ویژگیهای آنها انجام دادند. برخی از این پژوهش‌ها ارتباط مثبت بین بهزیستی روانی و سنخ دوگانگی جنسی را نشان می‌دهد (آنتیل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ کمپل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱؛ چانگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ گرین و کندریک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴؛ روز و مانتی‌میر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ ساویر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱؛ شی‌ویر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶؛ استیک<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ وودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۳؛ شی موناکا و همکاران، ۱۹۹۷).

بنابراین نتیجه می‌گیریم که افراد دوگانه جنسی در مقایسه با افراد با سنخ‌های جنسی سنتی، در زندگی خود دارای جنبه‌های مثبت‌تری هستند. برای مثال زنان و مردان دوگانه جنسی دوست‌داشتنی‌تر، از لحاظ روابط بین فردی سازگارتر، خشنودتر و در ازدواج دارای رضایت زناشویی بیشتری می‌باشند. آنها دارای رضایت بیشتر از زندگی، خشنودی شغلی بیشتر، طول عمر بیشتر و عزت نفس بالاتر هستند و در موقعیتهای فشارزای روانی زندگی بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای تفکر مثبت استفاده می‌کنند (شیمونوکا و همکاران، ۱۹۹۷).

علاوه بر آن در برخی از پژوهش‌های انجام شده بر روی اشخاص با سنخ‌های جنسیتی متفاوت خصوصیات از قبیل انعطاف‌پذیری و خلاقیت بیشتر (آندرسون، ۱۹۸۶) و سلامت روانی بهتر (شیمونوکا و همکاران، ۱۹۹۷) به‌دست آمده است.

جوادی‌نژاد (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی «رابطه بین جو عاطفی خانواده و سلامت روان با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر» پرداخت. نتایج به‌دست آمده نشان دادند که بین سلامت روان دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی و همچنین بین جو عاطفی خانواده و سلامت روان دانش‌آموزان دختر روابط معناداری وجود دارد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین متغیرهای دوگانگی جنسی، سلامت روانی، عملکرد تحصیلی و خود شکوفایی است، لذا با توجه به این هدف، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

**فرضیه اول:** بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.

1 – Antill

2 – Campel

3 – Cheng

4 – Green & Kendrick

5 – Rose & Montemayer

6 – Sawire

7 – Stake

- ۱- بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه دوم:** بین سلامت روان و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین سلامت روان و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین سلامت روان و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه سوم:** بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه چهارم:** بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه پنجم:** بین شادکامی و خودشکوفایی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین شادکامی و خودشکوفایی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین شادکامی و خودشکوفایی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه ششم:** بین سلامت روان و شادکامی و سلامت روان در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین شادکامی و سلامت روان در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین شادکامی و سلامت روان در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- فرضیه هفتم:** بین شادکامی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۱- بین شادکامی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.
  - ۲- بین شادکامی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین خودشکوفایی و سلامت روان در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد.

۱- بین خودشکوفایی و سلامت روان در دانشجویان دختر رابطه معنادار وجود دارد.

۲- بین خودشکوفایی و سلامت روان در دانشجویان پسر رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه نهم: بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد.

۱- بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان پسر رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دهم: بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد.

۱- بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان پسر رابطه معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر کارشناسی ارشد واحد علوم و تحقیقات مرکز اهواز است که در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶-۸۵ ثبت نام کرده‌اند.

نمونه و روش نمونه‌گیری: در این پژوهش ۴۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از این تعداد ۲۷ نفر پرسشنامه‌ها را به‌طور ناقص جواب داده بودند که از نمونه انتخابی حذف شدند. بنابراین ۳۷۳ نفر از دانشجویان (۱۸۵ پسر و ۱۸۸ دختر) باقی ماندند. طرح پژوهش از نوع همبستگی بود.

ابزارهای اندازه‌گیری: در این تحقیق از ابزارهای اندازه‌گیری مختلفی استفاده شده است؛

۱- پرسشنامه نقش جنسیتی بم: بم (۱۹۷۴) فهرستی از صفات را تهیه کرد که به نظر می‌رسید برای مردان و زنان به‌صورت متفاوت ادراک شوند و از این طریق مقیاسی با عنوان پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI)<sup>۱</sup> ارائه کرد. این پرسشنامه ۶۰ ماده دارد که برای هر ماده

---

1 – Bem Sex-Role Inventory

یک مقیاس ۷ درجه‌ای در نظر گرفته شده است. ورناصری (۱۳۸۲) اعتبار این مقیاس در تحقیقات داخلی را به تأیید متخصصان رسانده و پایایی آن در این پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ و از طریق روش تنصیف معادل ۰/۶۸ به دست آمده است.

۲- پرسشنامه شادکامی آکسفورد<sup>۱</sup>: آرچیل و لو<sup>۲</sup> این ابزار را تهیه کردند. فرم نهایی این آزمون ۲۹ ماده دارد که هر ماده از آن یک مقیاس ۴ درجه‌ای دارد. آرچیل و همکاران ضریب پایایی این ابزار را از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰ به دست آوردند و در این پژوهش نیز معادل ۰/۹۴ از طریق روش آلفای کرونباخ و ۰/۸۷ از طریق روش تنصیف محاسبه شده است. برای تعیین اعتبار این آزمون در سال تحصیلی ۷۷-۷۸ متخصصان دانشگاه علامه طباطبایی اعتبار صوری بالایی را برای آن اعلام نموده‌اند (علی‌پور و نوربالا، ۱۳۷۸).

۳- پرسشنامه خودشکوفایی: مبنای فرم نهایی پرسشنامه خودشکوفایی که اسماعیل‌خانی در سال ۱۳۷۸ ساخته است، پرسشنامه ۵۰ ماده‌ای خودشکوفایی لستر<sup>۳</sup> است. این پرسشنامه دارای ۲۵ ماده بوده که برای هر ماده ۴ درجه تعیین شده است. اعتبار صوری این پرسشنامه را استادان متخصص دانشگاه شهید چمران تأیید کردند و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۲ و با روش تنصیف معادل ۰/۹۰ به دست آمده است (اسماعیل‌خانی، ۱۳۷۸).

۴- پرسشنامه سلامت روان: این مقیاس فرم کوتاه شده نسخه تجدیدنظر شده SCL90-R است که نجاریان و داودی تهیه کرده‌اند. این پرسشنامه که یک ابزار خود گزارش‌دهی برای سنجش آسیب‌های روانی است، دارای ۲۵ ماده بوده و از گزینه‌های به شدت، زیاد، تا حدی، کمی و هیچ برخوردار است. نمره‌گذاری آن از صفر تا ۴ انجام می‌گیرد. نمره بالا نشان‌دهنده سلامت روانی است. پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۴ و با روش تنصیف معادل ۰/۹۲ به دست آمده است. ضمن اینکه اعتبار این آزمون از طریق تعیین همبستگی با مقیاس ۹۰ سؤالی برابر ۰/۴۹ برای کل نمونه و معادل ۰/۵۶ در زنان و معادل ۰/۴۷ در مردان به دست آمده است (عسکری و همکاران، ۱۳۸۵).

۵- برای محاسبه عملکرد تحصیلی از معدل کل دوره کارشناسی دانشجویان استفاده شده است.

1 – Oxford Dappiness Inventory

2 – Argyle & Lu

3 – Lester



### یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل نمره و تعداد آزمودنی‌های نمونه است که برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد بررسی مربوط به کل نمونه و تفکیک جنسیت

| تعداد | حداکثر | حداقل | انحراف معیار | میانگین | شاخص‌های آماری |               |
|-------|--------|-------|--------------|---------|----------------|---------------|
|       |        |       |              |         | آزمودنی‌ها     | متغیر         |
| ۱۸۵   | ۸۷     | ۱۹    | ۱۲/۱۵        | ۵۳/۲۹   | دانشجویان پسر  | شادکامی       |
| ۱۸۸   | ۸۳     | ۲۲    | ۱۲/۹۳        | ۵۲/۱۹   | دانشجویان دختر |               |
| ۳۷۳   | ۸۷     | ۱۹    | ۱۲/۵۵        | ۵۲/۷۳   | کل دانشجویان   |               |
| ۱۸۵   | ۹۸     | ۳۰    | ۱۵/۹۴        | ۷۵/۶۳   | دانشجویان پسر  | سلامت روان    |
| ۱۸۸   | ۹۵     | ۱۸    | ۱۶/۹۸        | ۷۱/۵۹   | دانشجویان دختر |               |
| ۳۷۳   | ۹۸     | ۱۸    | ۱۶/۵۷        | ۷۳/۶۱   | کل دانشجویان   |               |
| ۱۸۵   | ۷۴     | ۱۷    | ۱۰/۷۰        | ۵۷/۹۳   | دانشجویان پسر  | خودشکوفایی    |
| ۱۸۸   | ۷۵     | ۲۰    | ۱۱/۷۴        | ۵۵/۸۸   | دانشجویان دختر |               |
| ۳۷۳   | ۷۵     | ۱۷    | ۱۱/۲۵        | ۵۶/۶۳   | کل دانشجویان   |               |
| ۱۸۵   | ۱۸/۸۷  | ۱۲    | ۱/۴۹         | ۱۵/۶۳   | دانشجویان پسر  | عملکرد تحصیلی |
| ۱۸۸   | ۱۸/۵۳  | ۱۳/۳۶ | ۱/۲۶         | ۱۶/۳۸   | دانشجویان دختر |               |
| ۳۷۳   | ۱۸/۸۷  | ۱۲    | ۱/۴۳         | ۱۶/۰۱   | کل دانشجویان   |               |
| ۱۸۵   | ۵۰     | -۴۱   | ۱۴/۴۶        | -۴/۵۹   | دانشجویان پسر  | دوگانگی جنسی  |
| ۱۸۸   | ۳۰     | -۶۳   | ۱۷/۳۳        | -۱۸/۹۵  | دانشجویان دختر |               |
| ۳۷۳   | ۵۰     | -۶۳   | ۱۷/۵۰        | -۱۱/۸۵  | کل دانشجویان   |               |

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در متغیر شادکامی میانگین و انحراف معیار نمره، به ترتیب برای دانشجویان پسر ۵۳/۲۹ و ۱۲/۱۵، دانشجویان دختر ۵۲/۱۹ و ۱۲/۹۳، کل دانشجویان ۵۲/۷۳ و ۱۲/۵۵، در متغیر سلامت روان، دانشجویان پسر ۷۵/۶۳ و ۱۵/۹۴، دانشجویان دختر ۷۱/۵۹ و ۱۶/۹۸، کل دانشجویان ۷۳/۶۱ و ۱۶/۵۷، در متغیر خودشکوفایی، دانشجویان پسر ۵۷/۳۹ و ۱۰/۷۰، دانشجویان دختر ۵۵/۸۸ و ۱۱/۷۴، کل دانشجویان ۵۶/۶۳ و ۱۱/۲۵، در متغیر عملکرد تحصیلی برای دانشجویان پسر ۱۵/۶۳ و ۱/۴۹، دانشجویان دختر ۱۶/۳۸ و ۱/۲۶، کل دانشجویان ۱۶/۰۱ و ۱/۴۳ و در متغیر دوگانگی جنسی، برای دانشجویان پسر ۴/۵۹- و ۱۴/۴۶، دانشجویان دختر ۱۸/۹۵- و ۱۷/۳۳ و کل دانشجویان ۱۱/۸۵- و ۱۷/۵۰ می‌باشد. لازم به ذکر است که دامنه نمرات مقیاس دوگانگی جنسی شامل اعداد منفی و مثبت است.

### یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

**فرضیه اول:** بین شادکامی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.  
**فرضیه ۱:** بین شادکامی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.  
**فرضیه ۲:** بین شادکامی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین شادکامی و دوگانگی جنسی دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک   | شاخص آماری     | ضریب همبستگی | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|--------------|----------------|--------------|------------------|-----------------|
| شادکامی       | دوگانگی جنسی | کل دانشجویان   | ۰/۱۷         | ۰/۰۰۱            | ۳۷۳             |
|               |              | دانشجویان پسر  | ۰/۱۲         | ۰/۱۲۰            | ۱۸۵             |
|               |              | دانشجویان دختر | ۰/۲۱         | ۰/۰۰۵            | ۱۸۸             |

با توجه به جدول ۲ نتایج مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که بین شادکامی و دوگانگی جنسی کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $P= ۰/۰۰۱$  و  $r= ۰/۱۷$ ).

یعنی با افزایش شادکامی، دوگانگی جنسی افزایش یافته است و برعکس. همچنین بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان پسر رابطه مثبت معناداری مشاهده نگردید ( $r = ۰/۱۲$  و  $P = ۰/۱۲۰$ ). ولی بین شادکامی و دوگانگی جنسی در دانشجویان دختر رابطه معناداری مشاهده گردیده است ( $r = ۰/۲۱$  و  $P = ۰/۰۰۵$ ).

**فرضیه دوم:** بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۱:** بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۲:** بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک   | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی ( $r$ ) | سطح معناداری ( $p$ ) | تعداد نمونه ( $n$ ) |
|---------------|--------------|-----------------------|----------------------|----------------------|---------------------|
| سلامت روان    | دوگانگی جنسی | کل دانشجویان          | ۰/۱۹                 | ۰/۰۰۰۱               | ۳۷۳                 |
| روان          | دوگانگی جنسی | دانشجویان پسر         | ۰/۰۹                 | ۰/۲۱۳                | ۱۸۵                 |
| روان          | دوگانگی جنسی | دانشجویان دختر        | ۰/۲۰                 | ۰/۰۰۵                | ۱۸۸                 |

نتایج به‌دست آمده در ارتباط با این فرضیه در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سلامت روان و دوگانگی جنسی کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $r = ۰/۱۹$  و  $P = ۰/۰۰۰۱$ ) یعنی با افزایش سلامت روان دوگانگی جنسی دانشجویان نیز افزایش یافته است و برعکس. از سوی دیگر با تفکیک جنسیت بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر ( $r = ۰/۰۹$  و  $P = ۰/۲۱۳$ ) و بین سلامت روان و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر ( $r = ۰/۲۰$  و  $P = ۰/۰۰۵$ ) رابطه معنادار مثبتی مشاهده نگردید.

فرضیه سوم: بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱: بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان

| متغیر پیش بین  | متغیر ملاک | شاخص آماری<br>آزمودنی ها | ضریب<br>همبستگی<br>(r) | سطح<br>معناداری<br>(p) | تعداد<br>نمونه (n) |
|----------------|------------|--------------------------|------------------------|------------------------|--------------------|
| خود<br>شکوفایی | شکوفایی    | کل دانشجویان             | ۰/۱۱                   | ۰/۰۳۸                  | ۳۷۳                |
|                |            | دانشجویان پسر            | ۰/۰۵                   | ۰/۵۱۴                  | ۱۸۵                |
|                |            | دانشجویان دختر           | ۰/۱۲                   | ۰/۱۰۹                  | ۱۸۸                |

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $r = ۰/۱۱$  و  $P = ۰/۰۳۸$ ). بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش خودشکوفایی، دوگانگی جنسی دانشجویان نیز افزایش یافته است. از سوی دیگر بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر ( $r = ۰/۰۵$  و  $P = ۰/۵۱۴$ ) و خودشکوفایی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر ( $r = ۰/۱۲$  و  $P = ۰/۱۰۹$ ) رابطه مثبت معناداری مشاهده نگردید.

فرضیه چهارم: بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر و پسر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱: بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

جدول ۵- ضرایب همبستگی بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|------------|-----------------------|------------------|------------------|-----------------|
| عملکرد تحصیلی | شادکامی    | کل دانشجویان          | -۰/۱۲            | ۰/۰۱۷            | ۳۷۳             |
|               |            | دانشجویان پسر         | -۰/۰۱            | ۰/۹۷۹            | ۱۸۵             |
|               |            | دانشجویان دختر        | -۰/۰۴            | ۰/۶۲۳            | ۱۸۸             |

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی کل دانشجویان رابطه منفی معناداری وجود دارد ( $r = -0.12$  و  $P = 0.017$ ). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش عملکرد تحصیلی، دوگانگی جنسی دانشجویان کاهش یافته است و برعکس. از سوی دیگر بین عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان پسر ( $r = -0.01$  و  $P = 0.979$ ) و نیز عملکرد تحصیلی و دوگانگی جنسی دانشجویان دختر ( $r = 0.04$  و  $P = 0.623$ ) رابطه منفی معناداری مشاهده نگردید. فرضیه پنجم: بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد. فرضیه ۱: بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد. فرضیه ۲: بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۶- ضرایب همبستگی ساده بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان

| متغیر   | متغیر ملاک | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------|------------|-----------------------|------------------|------------------|-----------------|
| شادکامی | خودشکوفایی | کل دانشجویان          | ۰/۵۸             | ۰/۰۰۰۱           | ۳۷۳             |
|         |            | دانشجویان پسر         | ۰/۴۵             | ۰/۰۰۰۱           | ۱۸۵             |
|         |            | دانشجویان دختر        | ۰/۶۹             | ۰/۰۰۰۱           | ۱۸۸             |

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود بین شادکامی و خودشکوفایی کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری مشاهده می‌شود ( $r = 0/58$  و  $P = 0/0001$ ). بنابراین فرضیه پنجم تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش شادکامی، خودشکوفایی دانشجویان نیز افزایش یافته است و برعکس. از سوی دیگر بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان پسر ( $r = 0/45$  و  $P = 0/0001$ ) و بین شادکامی و خودشکوفایی دانشجویان دختر ( $r = 0/69$  و  $P = 0/0001$ ) رابطه معناداری مشاهده گردید.

**فرضیه ششم:** بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۱:** بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۲:** بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۷- ضرایب همبستگی ساده بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی ( $r$ ) | سطح معناداری ( $p$ ) | تعداد نمونه ( $n$ ) |
|---------------|------------|-----------------------|----------------------|----------------------|---------------------|
| شادکامی       | روان       | کل دانشجویان          | ۰/۵۴                 | ۰/۰۰۰۱               | ۳۷۳                 |
|               |            | دانشجویان پسر         | ۰/۴۱                 | ۰/۰۰۰۱               | ۱۸۵                 |
|               |            | دانشجویان دختر        | ۰/۶۵                 | ۰/۰۰۰۱               | ۱۸۸                 |

همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است بین شادکامی و سلامت روان کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $r = 0/54$  و  $P = 0/0001$ ). بنابراین فرضیه ششم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با افزایش شادکامی، سلامت روان دانشجویان نیز افزایش یافته است. از سوی دیگر بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان پسر ( $r = 0/41$  و  $P = 0/0001$ ) و نیز بین شادکامی و سلامت روان دانشجویان دختر ( $r = 0/65$  و  $P = 0/0001$ ) رابطه معنادار مثبتی مشاهده گردید.

فرضیه هفتم: بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱: بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۸ - ضرایب همبستگی ساده بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان

| متغیر پیش بین | متغیر ملاک    | شاخص آماری آزمودنی ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|---------------|-----------------------|------------------|------------------|-----------------|
| شادکامی       | عملکرد تحصیلی | کل دانشجویان          | -۰/۰۱            | ۰/۸۹۳            | ۳۷۳             |
|               |               | دانشجویان پسر         | ۰/۰۷             | ۰/۳۵۹            | ۱۸۵             |
|               |               | دانشجویان دختر        | -۰/۰۷            | ۰/۳۵۸            | ۱۸۸۸            |

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می شود بین شادکامی و عملکرد تحصیلی کل دانشجویان رابطه منفی معناداری وجود ندارد ( $P = ۰/۸۹۳$  و  $r = -۰/۰۱$ ). بنابراین فرضیه هفتم تأیید نمی شود. به عبارت دیگر، با افزایش شادکامی عملکرد تحصیلی دانشجویان کاهش نیافته است. از سوی دیگر بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر ( $P = ۰/۳۵۹$  و  $r = ۰/۰۷$ ) رابطه مثبت معنادار و بین شادکامی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر ( $P = ۰/۳۵۸$  و  $r = ۰/۰۷$ ) رابطه منفی معنادار مشاهده نگردید.

فرضیه هشتم: بین خودشکوفایی و سلامت روان دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱: بین خودشکوفایی و سلامت روان دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین خودشکوفایی و سلامت روان دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۹- ضرایب همبستگی ساده بین خودشکوفایی و سلامت روان دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|------------|-----------------------|------------------|------------------|-----------------|
| خودشکوفایی    | سلامت روان | کل دانشجویان          | ۰/۶۳             | ۰/۰۰۰۱           | ۳۷۳             |
|               |            | دانشجویان پسر         | ۰/۵۸             | ۰/۰۰۰۱           | ۱۸۵             |
|               |            | دانشجویان دختر        | ۰/۶۷             | ۰/۰۰۰۱           | ۱۸۸             |

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود بین خودشکوفایی و سلامت روان کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $r = 0/63$  و  $P = 0/0001$ ). بنابراین فرضیه هشتم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با افزایش خودشکوفایی، سلامت روان دانشجویان افزایش معناداری می‌یابد. از سوی دیگر بین خودشکوفایی و سلامت روان در دانشجویان پسر ( $r = 0/58$  و  $P = 0/0001$ ) و نیز بین خودشکوفایی و سلامت روان در دانشجویان دختر ( $r = 0/67$  و  $P = 0/0001$ ) رابطه معنادار مثبتی مشاهده گردید. فرضیه نهم: بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۱: بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.  
فرضیه ۲: بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- ضرایب همبستگی ساده بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک    | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|---------------|-----------------------|------------------|------------------|-----------------|
| خودشکوفایی    | عملکرد تحصیلی | کل دانشجویان          | ۰/۰۱             | ۰/۸۷۹            | ۳۷۳             |
|               |               | دانشجویان پسر         | -۰/۰۱            | ۰/۹۷۴            | ۱۸۵             |
|               |               | دانشجویان دختر        | ۰/۰۵             | ۰/۴۷۵            | ۱۸۸             |



همان‌طور که در جدول ۱۰ نشان داده شده است، بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی کل دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود ندارد ( $P = ۰/۸۷۹$  و  $r = ۰/۰۱$ ). بنابراین فرضیه نهم تأیید نمی‌شود. یعنی هر چه بر میزان خودشکوفایی دانشجویان افزوده می‌شود به همان اندازه عملکرد تحصیلی آنان افزایش نمی‌یابد. از سوی دیگر بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی پسران ( $P = ۰/۹۷۴$  و  $r = ۰/۰۱$ ) رابطه منفی معنادار و بین خودشکوفایی و عملکرد تحصیلی دختران ( $P = ۰/۴۷۵$  و  $r = ۰/۰۵$ ) رابطه مثبت معناداری مشاهده نگردید.

**فرضیه دهم:** بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر و دختر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۱:** بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۲:** بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱- ضرایب همبستگی ساده بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان

| متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک    | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی ( $r$ ) | سطح معناداری ( $p$ ) | تعداد نمونه ( $n$ ) |
|---------------|---------------|-----------------------|----------------------|----------------------|---------------------|
| سلامت روان    | عملکرد تحصیلی | کل دانشجویان          | -۰/۰۴                | ۰/۴۰۷                | ۳۷۳                 |
|               |               | دانشجویان پسر         | -۰/۰۱                | ۰/۹۷۹                | ۱۸۵                 |
|               |               | دانشجویان دختر        | -۰/۰۳                | ۰/۷۲۶                | ۱۸۸                 |

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی کل دانشجویان رابطه منفی معناداری وجود ندارد ( $P = ۰/۴۰۷$  و  $r = -۰/۰۴$ ). بنابراین فرضیه دهم تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر با افزایش سلامت روان عملکرد تحصیلی دانشجویان کاهش نیافته است. از سوی دیگر بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان پسر ( $P = ۰/۹۷۹$  و  $r = -۰/۰۱$ ) و نیز بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر ( $P = ۰/۷۲۶$  و  $r = -۰/۰۳$ ) رابطه منفی معناداری مشاهده نگردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

روان‌شناسان کمال‌گرا در توصیف افراد خودشکופا، توان بذله‌گویی، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی را جزو ویژگی‌های آنها می‌دانند. زیرا خوش‌بینی، شوخی و خنده انسان را از منفی‌گرایی و منفی‌بینی دور می‌سازد. از سوی دیگر دوگانگی جنسی با خودشکوفایی نظریه مزلو منطبق است (ودهیل و ساموئلز، ۲۰۰۴) و افراد دوگانه جنسی از لحاظ بین‌فردی خشنودتر، دوست‌داشتنی‌تر و شوخ‌طبع‌تر هستند. همچنین در سالهای اخیر الگوی جدیدی برای بیان مفهوم سلامت روان شکل گرفته که براساس آن ترکیبی از صفات مذکر و مؤنث برای سازگاری سالم همه اشخاص ضروری است. نتایج به‌دست آمده در زمینه ارتباط بین متغیرهای شادکامی با سلامت روان، شادکامی با خودشکوفایی و سلامت روان با خودشکوفایی در افراد دوگانه جنسی با نتایج تحقیقات وودهیل و ساموئلز (۲۰۰۴)، شیمونوکا و همکاران (۱۹۹۷) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد افرادی که دوگانه جنسی هستند، کمتر تحت تأثیر فرهنگ حاکم هستند. فرهنگ‌ها نقش‌های زیادی را برای هر جنس تعریف کرده‌اند. به‌عنوان مثال مردم رفتار پرخاشگرانه را بیشتر به مردان نسبت می‌دهند، ولی رفتار مهربانانه را به زنان. افراد خودشکופا نیز بدون توجه به خواست‌های خاص فرهنگی رفتار می‌کنند بنابراین وجود رابطه بین خودشکوفایی و دوگانگی جنسی منطقی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر در خصوص عدم معناداری رابطه بین شادکامی با عملکرد تحصیلی، خودشکوفایی با عملکرد تحصیلی و سلامت روان با عملکرد تحصیلی باید گفت که شادکامی، خودشکوفایی و سلامت روان در انسان با عوامل متعددی مرتبط است و این بدین معنا نیست که همه افراد شادکام یا افرادی که خودشکופا هستند و یا از سلامت روانی برخوردارند؛ ضرورتاً در همه زمینه‌ها عملکرد تحصیلی بالایی دارند. ضمن اینکه عملکرد تحصیلی با عوامل مختلفی از جمله شرایط اقتصادی، اجتماعی، وجود انگیزه در محیط خانواده، روش‌های تربیتی مناسب، تعداد فرزندان، نحوه رفتار والدین، سطح تحصیلات والدین، در قید حیات بودن والدین، تیپ شخصیتی و موارد دیگر مرتبط است که بودن یا نبودن این متغیر باعث افزایش یا کاهش عملکرد تحصیلی افراد می‌شود. از سوی دیگر از آنجا که نمونه این پژوهش، دانشجویان دوره کارشناسی

ارشد هستند، عملکرد تحصیلی دوره ليسانس آنها بيش از دوران دبیرستان و پایین‌تر تحت تأثیر عوامل متعدد دیگر است. نتایج این پژوهش در برخی موارد با نتایج پژوهش جوادی‌نژاد (۱۳۸۰) همخوانی دارد.

### پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های بعدی برای ارزیابی دوگانگی جنسی از شیوه‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات نظیر مشاهده رفتارها و ارزشیابی‌های بالینی استفاده کنند و این پژوهش را بر روی آزمودنی‌های دیگر از جمله دانش‌آموزان، انجام دهند و ارتباط آن‌را با شیوه‌های فرزندپروری، پرخاشگری، افسردگی، هوش هیجانی، جایگاه مهار، رضایت زناشویی، سرسختی روان‌شناختی و... بررسی کنند. همچنین دوگانگی جنسی را با توجه به دو بُعد مثبت و منفی که در پژوهش‌های بسیار جدید مطرح شده است، بررسی نمایند.

### منابع

- اسماعیل‌خانی، فرشته. (۱۳۷۸)، «ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودشکوفایی و بررسی رابطه آن با سرسختی روان‌شناختی، کمال‌گرایی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- جوادی‌نژاد، علی. (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و سلامت روان با عملکرد تحصیلی دختران شهرستان اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- عسکری، پرویز. بهمن نجاریان و علیرضا احمدپور. (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه ساده و چندگانه کمال‌گرایی و احساس شیادی با سلامت روان دانشجویان واحد علوم و تحقیقات اهواز»، طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- علی‌پور، احمد. احمدعلی نوربالا. (۱۳۷۸)، «بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۱ و ۲.

ورناصری، پرستو. (۱۳۸۲)، «بررسی برخی پیشایندها و پیامدهای آندروژنی در دانش‌آموزان سال دوم دبیرستانهای شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Anderson, K.L. (1986). Androgyny, flexibility and individualism. *Journal of Personality Assessment*, 50,265 – 278 .

Antill, J. (1983). Sex role complementarily versus similarity in married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45,45 – 155 .

Baron, R.A. and Byren, D. (1994). *Social psychology: Understanding Human Interaction* (vth Ed). New York: *Allyn and Bocon*.

Bem, S.L. (1975). Sex Role adaptability: One consequence of psychological androgyny. *Journal of Personality and Social Psychology*, 31,634 – 643 .

Bem. S.L. (1974). The measument of psychology androgyny. *Journal of Counsulting and Clinical Psychology*, 42,155 – 162 .

Block, J. (1973). Conception of sex – role: Some cross – cultural and longitudinal perspectives. *American Psychologist*, 28,512 – 526 .

Campbell, M., Steffan, J., & Langmeyer, D. (1981). Psychological androgyny and social competence. *Psychological Reports*, 48,611 – 614 .

Cheng, C. (1999). Gender role differences in susceptibility to the influence of support availability on depression. *Journal of personality*, 67,439 – 467 .

Eagly, A., & Wood, W. (1999). The origin of sex differences in human behavior. *American Psychologist*, 54,408 – 423 .

Green, B., & Kendrick, D. (1994). The attractiveness of gender type traits at different relationship levels: Androgynous characteristics may be desirable after all. *Journal of Personality and Social Psychology*, 20,244 – 253 .

- Kimmel, M. (2000). *The gendered society*. New York: *Oxford University Press*.
- MC Intosh, M. (1991). "Das Begriff Gendr", *Das Argument*, G (NOV/Dez): S. 845–860.
- Mead, M. M. (1935). *Sex and temperament in three primitive societies*. New York: William Morow.
- Murphy, P. L. (1994). Social interest and psychological androgyny: Conceptualized and tested. *Individual Psychology*, 50(1), 18–30.
- Pearson, J., & Cooks, L. (1995). Gender and power. In P.M. Kalbfleisch & M.J. Cody (Eds.), *Gender, power, and communication in human relationships* (pp. 331–349). *Hillsdale, NJ: Erlbaum*.
- Pryzgodna, J., & Chrisler, J. C. (2000). Definitions of gender and sex: The subtleties of meaning. *Sex Roles*, 43, 553–569.
- Rose, A., & Montemayor, R. (1994). The relationship between gender role orientation and perceived self-competency in male and female adolescents. *Sex Roles*, 31, 579–595.
- Sawire, S., Watson P., & Biderman, M. (1991). Aggression, sex role measures and Kohut's psychology of the self. *Sex Roles*, 25, 41–161.
- Shaver, P. (1996). Androgyny and attachment security: Two related models of optimal personality. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 582–597.
- Shimonaka, Y., Nakazato, K., Kawaai, C., & Sato, S. (1997). Androgyny and successful adaptation across the life span among Japanese adults. *Journal of Genetic Psychology*, 158(4), 390–400.
- Stake, L. E. (1997). Integrating expressiveness and instrumentality in real life settings: A new perspective on the benefited of androgyny. *Sex-Roles*, 37(7–8), 541–564.
- Woodhill, B. M., & Sammuels, C. A. (2003). Positive and negative androgyny and their relationship with psychological health and well

being. *A Journal of Research*. [http://www. Findarticles.com/cf-dls/m2294/2003-june/103381811/](http://www.Findarticles.com/cf-dls/m2294/2003-june/103381811/).

Woodhill, B. M., & Sammuels, C. A. (2004). Desirable and undesirable androgyny: A prescription for the twenty-first century. *Journal of Gender Studies*, 13(1), 15–28.

تاریخ وصول: ۸۵/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۱۹